

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران

تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد در تجربه زیسته کارگزاران توسعه ایران

(۱۳۴۰-۱۳۵۷ش)

شهرز شریعتی*، عادل فاریابی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴)

چکیده

مروری بر تاریخ طرح‌های توسعه ایران در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی بیانگر این نکته است که فرایند سیاستگذاری توسعه در ایران دچار آشفتگی‌های فراوانی بوده است و حتی به‌نظر می‌رسد کنشگران و کارگزاران توسعه اقتصادی ایران به استناد شواهدی که در این مقاله نشان داده می‌شود، نتوانسته بودند این معضلات را به‌درستی شناسایی کنند. این نوشتار با روش‌شناسی مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی و در چارچوب نظری تلفیقی از آموزه‌های نظریه رانتیرسم و پاترمونیالیسم کوشیده است تا نشان دهد چگونه برنامه‌های توسعه در ایران ناکام می‌ماند. مقاله نشان می‌دهد شیوه حکمرانی متأثر از درآمدهای نفتی در اقتصاد سیاسی و مناسبات پدرسالار در فرهنگ سیاسی، در مجموع موجب می‌شد کنشگران توسعه ایران بدون فهم مسائل اساسی جامعه و الزام خود به پاسخ‌گویی، نتوانند از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

* shariati@modares.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-5254-4849>

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-1378-9314>

بهبود حکمرانی، در کشور استفاده کنند. مقاله در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین علت‌های ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران طی دو دهه پایانی سلطنت محمدرضا پهلوی ناظر بر چه مشکلاتی بوده است؟ با روش تحلیل محتوای تاریخ شفاهی هاروارد، برمبنای تجربه زیسته جمعی از کارگزاران توسعه کشور و با گزینش، کدگذاری و طبقه‌بندی گویه‌های انتقادی کارگزاران اقتصادی در پروژه تاریخ شفاهی هاروارد، این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد عدم موفقیت پیش‌برد پروژه توسعه ایران در زمان محمدرضا پهلوی، در بی‌توجهی به مبارزه با مفاسد اداری، بی‌انضباطی اداری، مداخله مستمر در امور دولت، ضعف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و در عین حال تضعیف مداوم نهادها، نخبگان سیاسی و نیروهای اجتماعی ریشه داشته است.

واژه‌های کلیدی: ایران، حکمرانی، فرهنگ سیاسی، رانتیرسم، پاتریمونیالیسم.

مقدمه

یکی از چالش‌هایی که به‌ویژه در نیم قرن اخیر همواره دولت‌های مستقر در ایران با آن مواجه بوده‌اند چگونگی اتخاذ و اجرای راهبردهای پیشرفت و توسعه کشور از سوی کارگزاران توسعه است. در این چارچوب شناخت جامع مفهوم پیشرفت تا حدودی ملتزم با فهم آموزه‌های حاصل از نظریات حکمرانی خوب است و فهم این مهم می‌تواند به اتخاذ راهبردهای صحیح پیش‌برد امور در یک کشور منجر باشد. پروژه تاریخ شفاهی ایران به ابتکار حبیب لاجوردی، در دانشگاه هاروارد انجام گرفت و در بیست مجلد تاکنون در دسترس عموم قرار گرفته است. این مقاله با بررسی تجربه زیسته برخی از کارگزاران توسعه و مشاوران اقتصادی دوره محمدرضا شاه پهلوی طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، می‌کوشد در پاسخ به این پرسش که مهم‌ترین علت‌های ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران طی دو دهه پایانی سلطنت محمدرضا پهلوی ناظر بر چه مشکلاتی بوده است؟ این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که به نظر می‌رسد عدم موفقیت پیش‌برد پروژه توسعه ایران در زمان محمدرضا پهلوی، در

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهرز شریعتی و همکار
 بی‌توجهی به مبارزه با مفاسد اداری، بی‌انضباطی اداری، مداخله مستمر در امور دولت، ضعف
 سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و در عین حال تضعیف مداوم نهادها، نخبگان سیاسی و
 نیروهای اجتماعی ریشه داشته است.

انتخاب مقطع زمانی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ به علت تمرکز محمدرضا شاه در این سال‌ها
 بر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه به منظور اصلاحات ساختاری کشور است. نوآوری این
 مقاله کاربست روش تحلیل محتوای کیفی گویه‌ها مبتنی بر «تجربه زیسته» است که در اکثر
 مقالات حوزه جامعه‌شناسی تاریخی به واسطه فقدان دسترسی مناسب به روایت‌نگاری‌های
 کنشگران چندان مورد توجه قرار نداشته است. جدول ذیل مشخصات و مهم‌ترین مشاغل این
 کارگزاران را نشان می‌دهد:

جدول ۱: مشخصات و مهم‌ترین مشاغل کارگزاران اقتصادی منتخب از پروژه تاریخ شفاهی

هاروارد

	کارگزار	مهم‌ترین مناصب اجرایی
۱	جعفر شریف امامی	وزیر راه، وزیر صنایع معادن (۱۳۳۶-۱۳۳۹)، نخست‌وزیر ایران (۱۳۳۶-۱۳۳۹ و شهریور تا آبان ۱۳۵۷)، رئیس مجلس سنا (۱۳۴۲-۱۳۵۷)، سرپرست بنیاد پهلوی
۲	علی امینی	نخست‌وزیر ایران (۱۳۴۰-۱۳۴۱)
۳	محمد باهری	معاون اسدالله علم در وزارت دربار و دبیر کل حزب رستاخیز
۴	هوشنگ نهاوندی	وزیر مسکن (۱۳۴۳-۱۳۴۷)
۵	داریوش همایون	وزیر اطلاعات و جهانگردی (۱۳۵۶-۱۳۵۷) معاون حزب رستاخیز
۶	عبدالمجید مجیدی	وزیر کار و امور اجتماعی (۱۳۴۷-۱۳۴۸) رئیس سازمان برنامه (۱۳۵۲-۱۳۵۶)
۷	محمد یگانه	معاون وزیر اقتصاد (۱۳۴۳-۱۳۴۸) معاون وزیر مسکن و آبادانی (۱۳۴۸-۱۳۴۹) رئیس بانک مرکزی (۱۳۵۲-۱۳۵۴) وزیر اقتصاد و دارایی (۱۳۵۶-۱۳۵۷)

۸	محمد مهدی سمیعی	رئیس بانک مرکزی (۱۳۴۲-۱۳۴۸) رئیس سازمان برنامه و بودجه
۹	غلامرضا مقدم	معاون بانک مرکزی (۱۳۳۹-۱۳۴۲)، قائم مقام و معاون سازمان برنامه (۱۳۴۸-۱۳۵۲)
۱۰	بهمن آبادیان	رئیس اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی (۱۳۴۳) معاون سازمان برنامه (۱۳۴۸)
۱۱	احمد مهید	مشاور شاه در امور نفتی در دهه ۱۹۵۰ میلادی
۱۲	فلیکس آقایان	فعال تجاری و نماینده در مجالس ۲۱، ۲۰، ۱۹. سناتور دوره‌های ۵ و ۶ از تهران
۱۳	مصطفی الموتی	معاون اجرایی نخست‌وزیر در کابینه اقبال
۱۴	خسرو اقبال	مشاور حقوقی شرکت ملی نفت
۱۵	ابوالقاسم خردجو	مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی (۱۳۳۹-۱۳۵۷)
۱۶	اکبر لاجوردیان	سرمایه‌دار و مدیر عامل کارخانه‌های مخمل کاشان و پلی اکریل
۱۷	قاسم لاجوردی	مدیر عامل گروه صنعتی بهشهر، معاون رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

مبنای انتخاب این افراد صرفاً مشارکت آنان در پروژه تاریخی شفاهی هاروارد بوده است که پس از شناسایی و بررسی مصاحبه این افراد در ابتدا ۴۲ کد اولیه استخراج شد. کدهای هر مصاحبه با یکدیگر و سایر مصاحبه‌های قبلی مقایسه شدند تا تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها مشخص شود و سپس کدها براساس شباهت‌هایی که با هم داشتند در یک طبقه قرار گرفتند. زیرطبقات به‌دست آمده چندین بار بازبینی و با هم مقایسه شدند و در پایان این مرحله، کدهای اولیه در ۶ طبقه و ۲۶ زیرطبقه قرار گرفتند و هر یک از این ۲۶ طبقه از بین چندین تجربه زیسته با یک یا دو تجربه منتخب از سوی نگارندگان تناظر داده شد. بدیهی است بخشی از اظهارات این کارگزاران اقتصادی، بنابر ماهیت تاریخ‌نگاری شفاهی ممکن است نادرست یا شبیه به ادعا و حتی دروغ باشد، اما

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهروز شریعتی و همکار

تکرار مداوم برخی اظهارات و گزاره‌ها در متن این تاریخ شفاهی از سوی این افراد که با انگیزه‌های متفاوت گفته شده بود، موجب افزایش اطمینان بیشتر به تصویرسازی نهایی شد. هرچند با وجود امانتداری در نقل قول‌ها و عدم مصاحبه در این تاریخ شفاهی با بسیاری دیگر از کارگزاران اقتصادی، امکان بروز خطا یا سوگیری، منتفی نیست.

ادبیات نظری

این مقاله در چارچوب تحلیل محتوای جهت‌دار خود تلفیقی از آموزه‌های دو نظریه «رانتیرسم» و «پاتریمونیالیسم» را به‌عنوان مبنای نظری خود برگزید.

پیشینه نظری و ویژگی نظام‌های پاتریمونیالیستی

نظریه پاتریمونیالیسم می‌تواند بیانگر مقوله‌ای تحلیلی، نمونه‌ای آرمانی یا یک نظریه باشد و از سوی دیگر به ساختارهای کلان نظیر جامعه، دولت و اقتصاد یا ساختارهایی نظیر خانواده یا شخص ارجاع داده شود (شرابی، ۱۳۸۵، ص. ۲۶). ماکس وبر با اشاره به مفهوم سرسپردگی اشخاص به فرمانروا در این نظام‌های سیاسی تصریح می‌کند: «زمانی از پاتریمونیال سخن می‌گوییم که حکمران قدرت سیاسی خود را بر فراپاتریمونیال و بر رعایای سیاسی، بدون اعمال قهر فیزیکی همانند قدرت خانگی خود سازمان دهد» (وبر، ۱۳۷۹، ص. ۲۵۰). «جف گودوین»^۱ و «تدا اسکاچپول»^۲ درباره نظام‌های پاتریمونیال معتقدند: «نظام‌های پاتریمونیال، نظام‌هایی هستند که قدرت سیاسی در دستان فرماندهان دیکتاتوری متمرکز است که این فرماندهان اجازه استقرار هیچ گروه باثبات [غیر خودی] را که دارای حقوق و امتیازات ویژه باشند، در فضای سیاسی خود نمی‌دهند» (Goodwin & Skocpol, 1994, p.383) فرهنگ جامعه‌شناسی

آکسفورد نیز این نظام را گونه‌ای از سلطه سیاسی می‌داند که قدرت به صورت شخصی و بورکراتیک اعمال می‌شود و تحت کنترل مستقیم حاکم قرار دارد (Marshall, 1994, p.383). «برایان ترنر»^۳ ویژگی‌هایی نظام‌های پاتریمونیال را ایجاد ارتش شخصی و وابسته؛ ارتقای نورچشمی‌ها برای تصدی مقامات عالیه؛ فقدان طبقه منسجم از اشراف صاحب زمین و فقدان نظام حقوقی مستقل برمی‌شمارد (ترنر، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۱). «جیمز بیل»^۴ و «روبرت اسپرینگبرگ»^۵ نیز در بررسی‌های خود نشان می‌دهند که شخصی بودن سیاست؛ تقدم خویشاوندسالاری و تقرب به شخص حاکم بر شایسته‌سالاری؛ غیررسمی بودن مجاری قدرت؛ ستیز متوازن و جلوگیری از تکوین کانون‌های مستقل قدرت؛ تصدی محارم در عالی‌ترین مقامات نظامی و کاربست توجیهات کلامی برای اثبات مشروعیت از مهم‌ترین وجوه مشترک نظام‌های پاتریمونیال است. (Bill & Springborg, 1994, pp.136-175) ساموئل هانتینگتون هم درباره این گونه از اعمال قدرت تصریح می‌کند: «شاه ایران از نمونه‌های الگوی رژیم‌های سلطانی وبر هستند که حامی‌پروری، خویشاوندمداری، رفیق‌بازی و فساد مشخصه‌های آن به‌شمار می‌روند (هانتینگتون، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۵). «خوان لینز»^۶ و هوشنگ شهابی هم در اثری مشترک، مباحثی نظیر مداخله مستمر و مستقیم فرمانروا و هم‌دستانش در ساختارهای دولت، «کیش شخصیت» و ایجاد هاله‌ای از ویژگی‌های کاریزماتیک و «ریاکاری قانونی» را از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام‌های سلطانی برمی‌شمارند (لینز و شهابی، ۱۳۸۰، صص. ۲۸-۵۳).

پیشینه نظری و ویژگی نظام‌های رانتیر

نظریه نظام‌های تحصیل‌دار نشان می‌دهد که نخبگان حاکم چگونه با بهره‌گیری از درآمدهای بادآورده و از طریق تزریق پول به جامعه در شرایط ضروری می‌توانند بسیاری از مخالفان را قانع و بحران‌ها را مرتفع کنند. حسین مهدوی با بهره‌گیری از این

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهروز شریعتی و همکار

استدلال آن را برای توضیح فقدان نیروی «فشار از پایین» برای ایجاد تغییرات دموکراتیک مورد استفاده قرار می‌دهد (Mahdavy, 1970). «لام و وانچیکون»^۷ نیز در تحقیقات تجربی خود نشان داده‌اند که چگونه منابع زیرزمینی می‌تواند موجب تثبیت رژیم‌های دیکتاتو شود (Lam & Wantchekon, 1999). «ویلیام آشر»^۸ و «داگلاس یاتس»^۹ نیز با بهره‌گیری از نظریه دولت رانتیر استدلال کرده‌اند که مقامات حکومتی به واسطه درآمدهای سرشار حاصل از فروش مواد زیرزمینی می‌توانند سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی را بدون در نظر گرفتن منافع جامعه درپیش گیرند (Ascher & Yates, 1996). در این چارچوب «میک مور»^{۱۰} نشان می‌دهد که اتکا به درآمدهای حاصل از رانت به واسطه آنکه موجب اقتدارگرایی حکومت می‌شود در نتیجه می‌تواند زمینه مناسبی را نیز برای گسترش منازعات سیاسی به‌ویژه در قالب شورش، کودتا و اعتصاب فراهم کند (Moore, 2001). «کولیر و هوفلر» (Collier & Hoeffler, 1998, 2002) با استفاده از مفهوم «مکانیسم تاراج»^{۱۱} و «جوها اووینن»^{۱۲} (Auvinen, 1997) نیز با استفاده از مفهوم «بحران مکانیسم توزیع»^{۱۳} بر این باورند که ضعف توانمندی توزیعی دولت‌های رانتیر برای توزیع مناسب کالاها و خدمات احتمال منازعات داخلی را افزایش می‌دهد. به باور نظریه‌پردازان دولت رانتیر، مقامات دولتی می‌توانند بخش قابل توجهی از درآمدهای حاصل از رانت را به واسطه فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی و ضعف قانون و همچنین بی‌انضباطی‌های رایج اداری، پولی و مالی به‌نفع خود یا جریان‌های سیاسی موردنظر به‌کار گیرند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۸، صص. ۳۹-۴۰). «مایکل چاتلوس»^{۱۴} هم با بهره‌گیری از مفهوم «اقتصاد چرخه‌ای»^{۱۵} در برابر «اقتصاد تولیدی»^{۱۶} تصریح می‌کند در دولت‌های رانتیر دستیابی به چرخه رانت به مراتب مهم‌تر از مؤثر بودن در عرصه تولید است (Chatlus, 1990, pp. 104-127). برخی دیگر از نظریه‌پردازان دولت رانتیر نیز در راستای مطالعات خود به نحوه توزیع نابرابر درآمدهای حاصل از رانت در دولت‌های رانتیر اشاره کرده‌اند (Wantchekon, 2002, pp. 12-13).

از مجموع آنچه در بخش نظری گفته شد به نظر می‌رسد عوارضی نظیر مفاسد اقتصادی و سیاسی، مداخله مستمر سلطنت در امور دولت، عدم انضباط اقتصادی، بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور، ضعف ساختارهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و سرانجام تضعیف آزادی عمل نهادها و نیروهای سیاسی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی در نظام‌های مبتنی بر رانتیرسم و پاترمونیالیسم باشد. این مقاله در ادامه، شواهد مؤید این چارچوب نظری را در تجربه زیسته کارگران توسعه ایران طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ نشان خواهد داد.

روش تحلیل

این مطالعه مبتنی بر «تحلیل محتوای جهت‌دار»^{۱۷} است که براساس مطالعه مفاهیم آشکار و پنهان در دیدگاه کارگزاران عصر پهلوی که با مجموعه تاریخ شفاهی هاروارد مصاحبه کرده‌اند، کدبندی، خلاصه‌سازی و طبقه شده‌اند. در فرایند تحلیل داده‌های این مقاله نیز از مدل پیشنهادی «گرانهم و لاندمن» (Graneheim & Lundman, 2004, pp. 105-112) که برای تحلیل مصاحبه‌های مبتنی بر تجربه زیسته مرسوم است، استفاده شد. طبق این روش، پس از چند بار بازخوانی مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج می‌شود و سپس کدها براساس شباهت‌ها در طبقات و زیرطبقه‌ها دسته‌بندی می‌شوند تا محتوای نهفته در آن‌ها مشخص شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، هفده مصاحبه با افرادی که به نوعی از کارگزاران یا مشاوران عالی اقتصادی در رژیم پهلوی بودند و با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد همکاری کردند. استفاده شده است. گفتنی است با توجه به محدودیت حجم مقاله، از ارائه تعداد قابل توجهی از گویه‌ها به ناگزیر خودداری شده است.

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهرز شریعتی و همکار

مضامین شیوه‌های حکمرانی توسعه در تاریخ شفاهی هاروارد

مروری بر روند حکمرانی ایران عصر پهلوی آن هم مبتنی بر تجربه زیسته مدیران ارشد و کارگزاران و مشاوران عالی اقتصادی این نظام سیاسی واجد نکات قابل تأملی است. مقاله در ادامه بر مبنای روش و چارچوب نظری خود، مهم‌ترین زیرطبقه‌های نظام حکمرانی در عصر پهلوی را مطابق با تاریخ شفاهی هاروارد به صورت ذیل صورت‌بندی کرده است:

مفاسد اقتصادی و سیاسی

تعدای از گویه‌های منتخب کارگزاران اقتصادی توسعه در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت مفاسد سیاسی و اقتصادی متأثر از آموزه‌های نظریه رانتیرسم و پاتریمونیالیسم از سوی نگارندگان به شرح ذیل احصا شده است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«با اینکه تعداد بهایی‌ها در ایران خیلی کم بود، اما وضع بهایی‌ها خوب شد و شاه به این‌ها لطف پیدا کرد و این‌ها شاه را به عنوان خدا معرفی می کردند، خیلی‌ها مصلحتی رفتند بهایی شدند که پست‌های خوبی بگیرند. حتی در یکی از گزارش‌های من روی کاغذ نوشتم و گزارش کردم به شاه که سازمان برنامه دستورات این فرقه را مقدم بر اوامر ملوکانه می‌داند...» (آقایان، ۱۹۸۶، ص. ۸)	تملق و چاپلوسی در مناسبات اداری
«بعد از سال ۱۳۴۰ به بعد جنبه دیکتاتوری در کارها خیلی قوی‌تر شد و قوی‌تر شد و قوی‌تر شد... تمام وزرا و تمام اجراکنندگان بیشتر چشمشان به دهان مقامات بالاترشان بود تا مقامات پایین‌ترشان و هم سطح خودشان» (لاجوردیان، ۱۹۸۲، ق ۱، ص. ۸).	
«اعلیحضرت به هیچ وجه دوست نمی‌داشت که کسی وقتی که ایشان	

دستوری می‌دهد اطاعت نکند و اگر کسی دستور ایشان را اطاعت نمی‌کرد دیگر به او شغلی نمی‌داد. این قانون بازی سیاسی ایران بود» (نهادی، ۱۹۸۵، ق ۴، ص ۲۲). « مشاوران نزدیک شاه که نخست‌وزیر و دبیر کل هم از آنها بودند در صحبت‌هایشان به شاه احتیاط‌های بیش از اندازه‌ای داشتند و سعی می‌کردند که آنچه می‌گویند به ترتیبی عمل بکنند که درواقع خود شاه گفته باشد آن حرف را ...» (همایون، ۱۹۸۲، ق ۳، ص ۱۱).	
«(شاه) اصول اداری ایران را همه را به هم زده بود. ... همه فکر می‌کردند که صبح بلند شوند بروند یک پارتی درست کنند که با یک نزدیک شاه نزدیک باشد و بروند برای خودشان یک کاری به این‌ها کار بدهند ...» (اقبال، ۱۹۸۵، ق ۵، صص ۶-۷).	پارتی‌بازی
«... منزل امیرهوشنگ، تمام وزرا، وکلا، مدیرکل، همه آنجا جمع بودند، همه همه جمع بودند و مرکز حل و عقد تمام کارهای مملکت بود کارهای مملکت بود! سه میلیون می‌گرفتند سفیر می‌کردند، دو میلیون تومان می‌گرفتند فلان کار می‌کردند، همه کارها آنجا می‌شد!» (اقبال، ۱۹۸۵، ق ۵، صص ۹-۱۱).	حامی‌پروری
«اعلی‌حضرت فرمودند، منظور از فساد چیست ؟ گفتم منظور من قربان از فساد این است که یک عده‌ای که نزدیک دولت هستند نزدیک مقامات دولتی هستند نزدیک دربار هستند نزدیک اطراف خانواده سلطنتی هستند این‌ها یک بهره‌گیری‌هایی در کار و فعالیت می‌کنند که منطقی نیست ... و این است که مردم عصبانی می‌شوند» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق ۲، ص ۱۵).	فساد در قراردادهای دولتی
«موقعی که در وزارت بازرگانی بودم دیدم در بعضی موارد {اطرافیان شاه} چه جور فشار می‌آوردند و همین‌طور در بانک مرکزی که بودم تا اندازه‌ای این جریانات سوء را می‌دیدم» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۳، ص ۲). «..... شاه به من گفته بود که شاه مشرق‌زمین باید ثروتی داشته باشد برای	سوءاستفاده‌های مالی شاه و اطرافیان

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهروز شریعتی و همکار

اینکه مردم که گرفتارند متوسل به شاه می‌شوند و کمک از شاه می‌خواهند و دست من خالی باشد، نمی‌توانم کمک کنم و یک قسمت از سلطنت لنگ است! این توجیهی بود که می‌کرد برای اینکه یک اندوخته‌ای درست کند» (مهبذ، ۱۹۸۵، ق ۹، ص ۱۴).	
«هر شرکت مهمی که در ایران تأسیس می‌شد اگر شاه در آن شرکت سهام نبود خیلی پیشرفت آن شرکت به اشکال برمی‌خورد، می‌بایستی شاه در آن باشد و البته شاه تنها کافی نبود. می‌بایستی اطرافیان شاه هم بعضی‌ها صاحب سهام باشند. خود من موقعی که دو شرکت کشتیرانی را تشکیل دادم، ۱۵ درصد از هر دو شرکت را به شاه دادم» (مهبذ، ۱۹۸۵، ق ۹، ص ۱۳).	

مداخله مستمر سلطنت در امور دولت

بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام سیاسی پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت مداخله مستمر سلطنت در امور دولت، که برگرفته از آموزه‌های نظریات رانتیرسم و پاتریمونیالیسم است، به شرح ذیل احصا شد:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«شاه دستورات خودش را چه از طریق شورای اقتصاد و چه مستقیم به وزرا می‌داد ... و به این ترتیب رل سازمان برنامه هم در اینجا یک رلی بود که اصطکاک داشت نسبت به دستوراتی که از طرف دربار به این دستگاه‌ها می‌رفت ...» (یگانه، ۱۹۸۵، ق ۱۳، ص ۲).	مداخله مداوم شاه در نظام برنامه و بودجه
«شاه برنامه‌های عمرانی کشور را خودش تصویب می‌کرد، ولی بعداً آن را تغییر می‌داد یعنی به هزینه و طرح‌ها اضافه می‌کرد. پشت سر هم دستور می‌داد و این دستورات غالباً متناقض بودند ...» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۴، ص ۸).	

«... تمام وزرا و تمام اجراکنندگان بیشتر چشمشان به دهان مقامات بالاترشان بود تا مقامات پایین‌ترشان و هم‌سطح خودشان» (لاجوردیان، ۱۹۸۲، ق ۱، ص ۸).	
«تخم مرغ گران می‌شد تلفن می‌کردند آقای لاجوردی بیاید اینجا. می‌رفتم دفتر می‌دیدم پنج شش تا وزیر نشسته‌اند که تخم مرغ را گران فروختند ... اینجور بی حساب و بی‌مأخذ جمع می‌شدند و تصمیم می‌گرفتند. چرا؟ شب یک کسی در شام به شاه گفته بوده که تخم مرغ گران شده ...» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق ۳، ص ۲). «... تابلو می‌زدند به مغازه‌ها که اینجا گرانفروشی است تعطیل شده و یک عده‌ای را تعقیب می‌کردند ... تورم تورم می‌آورد ... نتیجه‌اش هم که دیدیم هیچ اثری نکرد این قیمت‌گذاری‌ها در ارزان فروختن کالاها» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق ۳، ص ۲).	مداخله در قیمت‌گذاری کالاها
«پیشنهادهایی می‌دادیم به هیئت عالی برنامه، اغلب البته این پیشنهادها رد می‌شد برای اینکه هیئت عالی برنامه هم خودش تصمیم نهایی را نمی‌توانست بگیرد و اغلب این‌ها به شورای اقتصاد ارجاع می‌شد و در آنجا بود که خود اعلیحضرت مستقیماً تصمیم می‌گرفتند ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، صص ۱۰-۱۱). «ماها که عضو دفتر سیاسی بودیم مقداری از مسائل مملکت غافل و بی‌اطلاع مانده بودیم شاید مقداری از مسائل را خود نخست‌وزیرها هم اطلاع نداشتند» (الموتی، ۱۹۸۳، ق ۲، ص ۲۶).	بی‌توجهی و بی‌اعتمادی به مشاوران و برنامه‌ریزان
«(شاه) بلند شد و گفت: «این مهمالات و تئوری‌ها و این حرف‌ها را قبول ندارم و شما اقتصاددانان نمی‌دانید چه دارید می‌گویید ... شما بهتر است این حرف‌ها را بگذارید کنار و به کارهای اساسی‌تر برسید، بلند شد، رفت و	عدم اعتقاد به نظریات دانشگاهی

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهرزاد شریعتی و همکار

جلسه ختم شد» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۴، ص ۷).	
«... شما از وزرایی که الان هم که گذشته سال‌های سال ازشان پرسید ببینید هیچ اطلاعی از قانون اساسی دارند. همینطور از راه می‌رسیدند یک مرتبه می‌شدند وزیر...» (شریف امامی، ۱۹۸۲، ق ۴، ص ۱۵).	انتصاب‌های غیرکارشناسی

عدم انضباط اقتصادی

بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت عدم انضباط اقتصادی در برنامه‌های حکمرانی و توسعه کشور مطابق با چارچوب نظری پژوهش، به شرح ذیل صورتبندی شده است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«مقامات دولتی گرچه قسمت اعظم پول‌هایشان را از سازمان برنامه می‌گرفتند، ولی مسئولیتی نداشتند و حساب‌و‌کتاب صحیحی هم نداشتند ... سعی نشد در ایران «اینستیتیوشن بیلدینگ» (نهادسازی) بشود، یعنی بیایند و تشکیلات صحیح و منظم دستگاه‌های مختلف بگذارند و به تدریج این‌ها پاشیده شد» (آبادیان، ۱۹۸۵، صص ۱۱-۱۲).	بی‌انضباطی پولی و مالی
«... کافی بود که شما یک نقشه صد میلیونی ببرید آنجا بگویند آقا این صد میلیون را بگیرید ... آن بانک توسعه صنعتی که آقای خردجو خوب اونجا نشسته بودند می‌گفتند آقا برنامه صد هزار تومن و دو صد هزار تومنی یعنی چه! یک ده میلیون بیارید!!!» (امینی، ۱۹۸۱، ق، ص ۶).	
«احساساتی همیشه نسبت به سازمان برنامه وجود داشت و در تمام مدتی هم که من بودم این وجود داشت که سازمان برنامه، همه کمونیست هستند و هرچه که اعلیحضرت می‌گویند قبول نمی‌کنند ...» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق ۵، ص ۲۵).	فقدان مسئولیت و نظارت‌پذیری
«... همه می‌خواستند بیشتر از آنچه که سازمان برنامه منابع به آن‌ها	

اختصاص می‌داد، اختصاص داده بشود و همه طرح‌هایی که پیشنهاد دادند موردتصویب قرار بگیرد و حداقل نظارت هم در کارهایشان نشود و در نتیجه دیسیپلین کار هم از بین می‌رفت» (یگانه، ۱۹۸۵، ق ۱۳، ص ۲). «مسائل را خیلی «سترالایز»^{۱۸} (متمرکز) کرده بودند ... تمام کنترل از دست رفته بود با توجه به اینکه این مؤسسات مختلف دولتی هم گفتم به هیچ وجه مسئولیتی از خود نشان نمی‌دادند و مستقیم به خود شاه گزارش می‌دادند ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص ۱۶). «طرح‌های ارتش در چیزهای مختلف رخنه کرده بود ... حتی کشاورزی ... این بود که بسیاری از این‌ها و حتی شرکت‌های مختلف، بنگاه‌های مختلفی که مستقیم عمل می‌کردند بدون اینکه مسئول باشند به سازمان برنامه اغلب خود تقریباً به اعلیحضرت گزارش می‌دادند» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص ۱۱).	
«من خیلی زیاد مقاومت کردم روی موضوع خرج‌هایی که روی ارتش می‌کردند به هر حال یک مقداری از این‌ها می‌آمد و من به هیچ وجه حاضر نبودم که این‌ها را امضا بکنم یا اینکه بفرستم برای هیئت سازمان برنامه ...» (آبادیان، ۱۹۸۵، ص ۱۰). «گرفتاری اساسی با شاه دو چیز بود: یکی اینکه اولویت‌هایش غلط بود که تأکید زیاد روی هزینه‌های نظامی و طرح‌های نمایی و بیهوده و غیرتولیدی می‌گذاشت ... این باعث می‌شد که وضع مالی مملکت همیشه خراب بود» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۴، ص ۹). «مدت نسبتاً کوتاهی پس از روی کار آمدن دکتر امینی اصطکاک بین ایشان و شاه به وجود آمد و قسمت عمده آن مربوط به بودجه هزینه‌های نظامی بود که امینی می‌خواست آن را محدود کند و شاه می‌خواست توسعه بدهد ...» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۲، ص ۱۲).	هزینه‌های بالای نظامی

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهر روز شریعتی و همکار

بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور

زیرطبقه و منتخبی از تجربه زیسته کارگزاران و مشاوران اقتصادی دوره پهلوی درباره بی‌توجهی به مسائل و توان داخلی کشور به ویژه مطابق با آموزه‌های نظری چاتلوس به شرح ذیل است:

تجربیات زیسته	زیر طبقه
«اگر از من راجع به کارهای عمرانی و سرمایه‌گذاری کشور پرسید ... این است که نیازهای مردم از خود مردم سؤال نمی‌شود، یک چند نفر که اغلب هم تحصیلاتشان را در خارج کردند و از کشور خودشان اطلاعات زیادی ندارند می‌آیند و تصمیمات را می‌گیرند» (خردجو، ۱۹۸۴، ق ۲، ص ۱۴).	بی‌توجهی به نیازهای واقعی مردم در روند برنامه‌ریزی
«...سیاست‌های غلطی اتخاذ شد و بدتر از آن این سیاست‌ها خیلی بد اجرا شد ... شاه توی این مایه‌ها اصلاً نبود و فکر نمی‌کرد به پرکردن چاله و چوله‌هایی که وسط راه پیش می‌آمد!» (همایون، ۱۹۸۲، ق ۷، ص ۱۰). «اگر سؤال بشود که سیاست صنعتی ایران ... قبول می‌کنم که یک مضاری برای کشور داشت و آن این بود که تمام کارهایی که صنایع کوچک و کارهایی که مردم در تمام اطراف کشور در ده تا شهرهای کوچک می‌توانستند بکنند مقداری جلایش را گرفت، برای اینکه مقدار زیادی از منابع رفته بود به صنایع بزرگ یا نسبتاً بزرگ و این‌ها مخارج آن صنایع کوچک را زیاد کرده بودند» (لاجوردی، ۱۹۸۳، ق ۲، ص ۱۷).	
«... آقای ابتهاج فکر می‌کرد که تمام کارهای عمرانی و اجرایی را با مشورت خارجی‌ها می‌شود انجام داد. در صورتی که اشخاصی که تجربه بیشتری دارند با مشاورین بین‌المللی می‌دانند که این‌ها همیشه آدم‌های اولاً درست نیستند، ثانیاً خیلی اوقات نظرهای خاصی دارند و بعد هم از همه مهم‌تر این است که اطلاعاتی که دارند قابل انتقال نیست از یک کشور به کشور دیگر، این است که خیلی از اشتباهاتی که در همان سال‌های اول شد» (خردجو،	تأکید بر استفاده از مشاوران خارجی

۱۹۸۴، ق ۲، ص ۱۴).	
«شاه طرح‌هایی با مدرن‌ترین تکنولوژی‌ها به ایران آورد ولو اینکه اجرای این طرح‌ها هنوز برای ایران سختی‌هایی داشت و گرفتاری‌هایی به وجود می‌آورد ... مدت‌ها طول کشید که ایشان متوجه شدند کشت و صنعت با آن ترتیبی که در آمریکا وجود دارد به مصلحت ایران نیست» (یگانه، ۱۹۸۵، ق ۱۲، ص ۱۲).	واردات تجهیزات غیر کاربردی

ضعف ساختارهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی

لزوم تدوین یک برنامه اقتصادی برای مدیریت کشور از دوره رضاشاه زمینه‌ساز تأسیس سازمان برنامه در دوره محمدرضا شاه شد. (فرمانفرمایان، ۱۳۹۴، ص ۱)، اما وجود مشکلات ساختاری همانطور که کولیر و هوفلر (Collier & Hoeffler, 1998, 200۲) به آن اشاره کرده‌اند در قدرت موجب بی‌اثر شدن فعالیت‌ها برای رفع این مشکلات می‌شد. مشاوران و کارگزاران اقتصادی در دوره موردبحث برخی از مهم‌ترین تجارب خود را به روایت تاریخ شفاهی هاروارد، چنین بیان کرده‌اند:

تجربیات زیسته	زیرطبقه
«وقتی که من وارد این دستگاه شدم در وزارتخانه‌ای به وزارت اقتصاد بود، اما دستگاهی برای مطالعه وجود نداشت کسی طرح تهیه نمی‌کرد. اولین کار هم این بود که من بتوانم یک گروهی را جمع کنم و به وسیله آن گروه بتوانیم این مطالعات را انجام بدهیم» (یگانه، ۱۹۸۵، ق ۲، ص ۶-۷).	فقدان نظام مطالعات و برنامه‌ریزی کارآمد
«... چون رژیم بسته به وجود ایشان بود معلوم بود که با رفتن ایشان از صحنه این رژیم تغییر پیدا خواهد کرد به این ترتیب نمی‌تواند ادامه بدهد. منتهی مسئله این بود که چه موقع این تغییرات اتفاق خواهد افتاد و چطور این تغییرات به وجود خواهد آمد ... تغییر رژیم و یا تغییراتی	عدم برنامه برای دوران پس از محمدرضا شاه

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهر روز شریعتی و همکار

در این رژیم و تطبیق آن با حقایق روز در فکر عده زیادی بود که پشت پرده یا پشت درهای بسته شد» (یگانه، ۱۹۸۵، ق ۱۳، ص ۶).	
«تصمیمات در کوتاه‌ترین مدت گرفته می‌شد، ولی اجرایش بیشترین زمان لازم می‌داشت و گاهی هم اصلاً اجرا نمی‌شد. درحالی‌که در کشورهای معقول‌تر زمان بیشتر صرف گرفتن تصمیم می‌شود ... خب ما عکسش عمل می‌کردیم» (همایون، ۱۹۸۲، ق ۳، ص ۱۰). «می‌آمدند به دولت فشار می‌آوردند و هزار تقاضا می‌کردند ... اما معلوم نیست که آن وقت که این پول را گرفتند مثلاً فوریت اولویت اول را داشته باشد ... ولی فشار می‌آوردند و می‌گرفتند» (شریف امامی، ۱۹۸۲، ق ۴، ص ۱۸).	سیاست‌زدگی در نظام برنامه‌ریزی کشور
«یک صف‌آرایی بود بین دولت و بیشتر اعلی‌حضرت از یک طرف و کسانی که در کار برنامه‌ریزی بودند آن طرف» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق ۴، ص ۱۱). «ما در سازمان برنامه ... هماهنگی و تعادل و توازن که می‌بایست بین سکتورها و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد را به آن توجه می‌کردیم ... که آن را این عاملین طرح‌ها و برنامه‌ها نمی‌دیدند و به‌نظرشان می‌آمد که ما داریم جلوی کار آن‌ها را می‌گیریم ...» (مجیدی، ۱۹۸۵، ق ۷، ص ۴).	فقدان راهبرد توسعه کشور

تضعیف آزادی عمل نهادها و نیروهای سیاسی

بررسی تجربه زیستی کارگزاران توسعه در روایت تاریخ شفاهی هاروارد بیانگر این نکته بود که آزادی‌های سیاسی و نهادی به‌عنوان پیشران‌های توسعه کشور در سایه اقتدارگرایی و یک جانبه‌گرایی ساختار سیاسی بر مبنای آنچه به‌ویژه دربارهٔ مختصات نظام‌های پاتریمونیال گفته شد، رنگ باخته بود. بخشی از گویه‌های کارگزاران نظام پهلوی در تاریخ شفاهی هاروارد با محوریت تضعیف آزادی عمل نخبگان، نهادها و نیروهای سیاسی، به شرح ذیل احصا شده است:

زیر طبقه	تجربیات زیسته
عدم تحمل منتقدان سیاسی	«... حزب «مردم» را نتوانستند تحمل کنند، تنها کسی که ممکن بود یک کاره‌ای بود، عامری بود که به محض اینکه یک خرده استقلال از خودش نشان داد دکش کرد. حتی {علی نقی} کنی را شاه تحمل نمی‌کرد. در همین یادداشت‌های من هست، کنی که دیگر نوکر خودشان بوده دیگر ...» (سمیعی، ۱۹۸۵، ق ۲، ص ۱۲). «شاه معتقد بود که هرکسی به این سه اصل (رژیم شاهنشاهی، قانون اساسی و اصول انقلاب) اعتقاد دارد عضو اینجاست ... اگر هم بخواهد از مملکت برود بیرون، برود بیرون» (بهری، ۱۹۸۲، ق ۲۴، ص ۶).
مداخله در قوه مقننه و مجلس قانون‌گذاری	«دیگر کسی نبود. اگر کسی بود، خوب، ممکن بود باز با این ارتش و با این قدرتی که داشتیم، کارها را دادند به یک افرادی که قدرت و ضابطه کافی برای اداره کردن نداشتند. مجلس کم کم اختیاراتش گرفته شد. بعد هم سنا بعد هم دولت. بالأخره کار به جایی رسید که آب خوردن هم با اجازه شاه بود» (آقایان، ۱۹۸۶، ص ۸). «ما وقتی حضور اعلی‌حضرت رفتیم راجع به بختیار با ما صحبت کردند، یعنی در هر حال نظر ایشان این بود که بختیار را بیاورید» (الموتی، ۱۹۸۳، ق ۳، ص ۲۶).
مداخله در امور دولت و قوه مجریه	«خلاصه او (یدالله عضدی) را معرفی کردم وقتی که شرفیاب شدیم خدمت اعلیحضرت، اعلیحضرت دستوراتی به او دادند من جمله گفتند که «توجه داشته باشید که شما وزیر من هستید». به ایشان عرض کردم که «قربان همه وزرا وزیر اعلیحضرت هستند چه تفاوتی در بین هست؟» گفتند: «نه! نه! نه! باید گزارشات را به خودم بدهد ...»

من دیگر چیزی نگفتم!» (شریف امامی، ۱۹۸۲، ق ۸، ص ۸). «شاه وزرا را غالباً احضار می‌کرد و برخلاف قانون اساسی به آن‌ها دستور می‌داد ... بنابراین به این نتیجه رسیده بودم که تا زمانی که رژیم شاه در ایران برقرار است من هیچ‌گاه نباید پست وزارت را قبول کنم» (مقدم، ۱۹۸۳، ق ۲، صص ۱۴-۱۵). «با این روحیه‌ای که محمدرضا شاه داشت و خب سلطه هم بود و ما هم به هرحال دسته مخالف رژیم که نبودیم. ما آمده بودیم که با همه‌ی علیها بسازیم و از سازندگی مملکت دفاع کنیم. ... وقتی می‌دیدیم نمی‌شود ول می‌کردیم دیگر ... دیدیم کار بی‌حاصلی است ول کردیم ... بنده دیگر رفتم دانشگاه. تمام وقتم را دیگر صرف دانشگاه کردم» (باهری، ۱۹۸۲، ق ۳، ص ۱۲).	
---	--

نتیجه

این نوشتار با استفاده از آموزه‌های نظریه «رانتیریسیم» و نظریه «پاتریمونیالیسم» و با تحلیل محتوای تجربه زیسته کارگزاران توسعه اقتصادی عصر پهلوی طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ که در پروژه تاریخ شفاهی هاروارد گردآوری شده است، نشان داد چگونه فساد سیاسی و اقتصادی، مداخله مستمر نهاد سلطنت در امور دولت، عدم انضباط اقتصادی، بی‌توجهی به توان و مسائل داخلی کشور، ضعف ساختارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و سرانجام تضعیف آزادی عمل نخبگان، نهادها و نیروهای سیاسی بر روند توسعه و حکمرانی ایران اثرگذار بوده است. نکته قابل توجه در بررسی این تجربه زیسته، ناظر بر این نکته بود که با وجود آنکه اکثر مصاحبه‌شوندگان مقامات ارشد در سیاست‌گذاری توسعه کشور محسوب می‌شدند، اما تقریباً هیچ‌کدام آنان مسئولیتی جدی را متوجه خود نمی‌دانستند و مسائل و مشکلات کشور را به رده بالاتر

از خود و به‌ویژه شخص شاه ارجاع می‌دادند که این موضوع نیز می‌تواند از منظر ابعاد عمومی حکمرانی در ایران مدرن حائز توجه باشد. مطابق یافته‌های این پژوهش، شیوه حکمرانی و سیاستگذاری توسعه اقتصادی در ایران طی سال‌های موردبررسی به نحوی بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از امور در ایران منوط به اراده تعدادی محدود از نخبگان سیاسی و وابستگان به آن‌ها شده بود و همه امتیازات اقتصادی و مزیت‌های افراد به نحوی از روابط با آنان سرچشمه می‌گرفت. در چنین محیطی افراد برای فرار از قدرت ناگزیر باید به قدرت پناه می‌بردند و برای بهره‌گیری از رانت در چرخش، ناگزیر از ریاکاری، دورویی و تملق می‌شدند. در همین حال در این شیوه حکمرانی، حکمرانان با توزیع درآمدهای بادآورده حاصل از رانت از سویی به ظاهر لیاقت و مدیریت خود را به نمایش می‌گذاشتند و از سوی دیگر اکثر آنان خود را منجی و رهایی‌بخش توده مردم از فقر و رنج معرفی می‌کردند. سرانجام همانگونه که این مقاله نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ناکارآمدی برنامه‌های توسعه اقتصادی، تحت‌تأثیر فعالیت‌های افراد در رده‌های بالای دولت و دربار، بالأخص شخص شاه بود که به ناکارآمدی حکمرانی منجر شد که نتیجه این ناکارآمدی، شکست برنامه‌های نوسازی و توسعه بود. این روند سرانجام به تعمیق مشکلات اقتصادی کشور ازجمله بی‌عدالتی، تورم و فساد سازمان‌یافته منجر شد و درنهایت به همراه دیگر عوامل موجب کاهش مشروعیت سیاسی رژیم محمدرضا پهلوی و وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Jeff Goodwin
۲. Teda Skocpol
۳. Bryan Turner
۴. James Bill
۵. Robert Springborg
۶. Juan Jose Linz
7. Lam & Wantchekon
۸. William Ascher
9. Douglas Yates

جامعه‌شناسی تاریخی ناکارآمدی طرح‌های توسعه در ایران... ————— شهروز شریعتی و همکار

۱۰. Mick Moore
۱۱. Looting Mechanism
12. Juha Auvinen
13. distributive conflicts
۱۴. michael chatlus
15. circulation economy
۱۶. production economy
17. directed content analysis
18. centralize

منابع

- ابتهاج، ا. (۱۹۸۱). مصاحبه با ابوالحسن ابتهاج. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۴.
- اقبال، خ. (۱۹۸۵). مصاحبه با خسرو اقبال. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲.
- امینی، ع. (۱۹۸۱). مصاحبه با علی امینی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱.
- آبادیان، ب. (۱۹۸۵). مصاحبه با بهمن آبادیان. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱.
- آقایان، ف. (۱۹۸۶). مصاحبه با فلیکس آقایان. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱.
- باهری، م. (۱۹۸۲). مصاحبه با محمد باهری. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۶.
- ترنر، ب. (۱۳۷۹). *ماکس وبر و اسلام*. ترجمه س. وصالی. تهران: نشر مرکز.
- حاجی‌یوسفی، ا.م. (۱۳۷۸). *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خردجو، ا. (۱۹۸۴). مصاحبه با قاسم خردجو. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۷.
- سمیعی، م.م. (۱۹۸۵). مصاحبه با محمد مهدی سمیعی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۱.
- شرابی، ه. (۱۳۸۵). *پدرسالاری جدید*. ترجمه ا. موثقی. تهران: کویر.
- شریف امامی، ج. (۱۹۸۲). مصاحبه با جعفر شریف امامی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۲.
- شهابی، ه. و لینز، خ. (۱۳۸۰). *نظام‌های سلطانی*. ترجمه م. صبور. تهران: شیرازه.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

فرمانفرمایان، خ. (۱۳۹۴). گفت‌وگوی منتشرنشده با خداداد فرمانفرمایان. *تارنمای تاریخ*

ایرانی. قابل دسترسی به صورت برخط <http://tarikhirani.ir/fa/news/5286>

لاجوردی، ق. (۱۹۸۳). مصاحبه با قاسم لاجوردی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۴.

لاجوردیان، ا. (۱۹۸۲). مصاحبه با اکبر لاجوردیان. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۴.

مجیدی، ع. (۱۹۸۵). مصاحبه با عبدالمجید مجیدی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*.

ج ۱۶.

مقدم، غ.ر. (۱۹۸۳). مصاحبه با غلامرضا مقدم. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۷.

الموتی، م. (۱۹۸۳). مصاحبه با مصطفی الموتی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲.

مهبد، ا. (۱۹۸۵). مصاحبه با احمد مهبد. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۱۷.

نهادندی، ه. (۱۹۸۵). مصاحبه با هوشنگ نهادندی. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*.

ج ۱۹.

وبر، م. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه ع. منوچهری و همکاران. تهران: مولی.

هانتینگتون، س. (۱۳۷۳). *موج سوم دموکراسی*. ترجمه ا. شهسا. تهران: روزنه.

همایون، د. (۱۹۸۲). مصاحبه با داریوش همایون. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲۰.

هیوود، پ. (۱۳۸۱). *فساد سیاسی*. ترجمه م. طاهری و م.ق. بنی‌هاشم. تهران: انتشارات

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یگانه، م. (۱۹۸۵). مصاحبه با محمد یگانه. *تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد*. ج ۲۰.

Ascher, W. (1999). *Why Government Waste Resources*. Baltimore: John Hopkins University Press.

Auvinen, J. (1997). Political conflict in less developed countries 1981-1989. *Journal of Peace Research*.

Beblawi, H. (1987). The Rentier State in the Arab World. in *Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, the Rentier State*. New York: Croom Helm.

Bill, J., & Springborg, R. (1994). Patterns of Patrimonialism in the Middle East. in Bill & Springborg. *Politics in the Middle East*. NY: HarperCollins.

- Chatlus, M. (1990). Policies for Developmental: Attitudes towards Industry and Services. in G. luciani (ed.). *The Arab State*. University of California Press.
- Collier, P., & Hoeffler, A. (1998). "on the economic causes of civil war". *Oxford Economic papers*, 50, 563-573.
- Graneheim, UH., & Lundman, B. (2004). Qualitative Content Analysis in NursingResearch: Concepts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness. *Nurse Education Today*.
- Lam, R., & Wantchekon, L. (1999). Political Dutch Disease. working Paper, Yale University.
- Mahdavy, H. (1970). Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran. in *Studies in the Economic History of the Middle-East*. Ed. M.A. Cook. Oxford: Oxford University Press.
- Marshal, G. (1994). *The Concise Oxford Dictionary of Sociology*. Oxford University Press.
- Moore, M. (2001). Death without taxes: democracy, state capacity and aide dependence in the fourth world. in M. Robinson, & G. White (eds.). *The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design*. OxfordStudies in Democratisation, Oxford: Oxford University Press.
- Skocpol, T., & Goodwin, J. (1989). Explaining Revolutions in The Contemporary Third World. *Politics and Societ*.
- Wantchekon, L. (2002). Why do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments?. *The Journal of African Development*, vol. 5.
- Yates, D. (1996). *The Rentier State in Africa*, Trenton. New Jersey: Africa World Press.

Historical Sociology of Bad Governance in Iran

Content Analysis of the Living Experience of Iranian Economic Managers in the Second Pahlavi Period According to Harvard Oral History

Shahrooz shariati*, adel faryabi

Received: 28/09/2020 Accepted: 25/05/2021

Abstract

A review of the history of Iran's development in the second Pahlavi period shows that the country's economy was suffering from endless turmoil and the country's senior decision makers could not even properly identify these problems. Using the theories of Rentierism and Patrimonialism, this article has tried to show how in the process of formation of the modern state in Iran, a special way of governing based on political, economic and administrative corruption was formed. The article shows that the use of oil revenues in political economy and patriarchal relations in political culture led to bad governance in Iran. The main question of this article is about the most important causes of inefficiency of governance in the Pahlavi era? The research method in this article was to analyze the content of the lived experience of the managers of the Pahlavi period in accordance with the oral history of Harvard. The article shows that ignoring the basic requirements of modern governance and the constant weakening of institutions, political elites and social forces led to the inability and collapse of the Iranian political system.

Keywords: Iran; Governance; Political culture; Rentierism; Patrimonialism.

*Associate Professor of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

(Corresponding author) Email: shariati@modares.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-5254-4849>

†M.A of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

<https://orcid.org/0000-0003-1378-9۳۱۴>